

حکیمی که اشعارش متأثر از قرآن بود

حکیم عمر خیام نیشابوری فیلسوف، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس و شاعر رباعی‌سرایی ایرانی در دوره سلجوقی است. او شاعری بود که به رموز قرآن آگاه و واژگان را در اشعار خود با شناخت کامل و دقیق از آیات الهی به کار برده است.



حکیم عمر خیام نیشابوری فیلسوف، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس و شاعر رباعی‌سرایی ایرانی در دوره سلجوقی است. او شاعری بود که به رموز قرآن آگاه و واژگان را در اشعار خود با شناخت کامل و دقیق از آیات الهی به کار برده است.

به گزارش ایکنای آذربایجان شرقی، حکیم عمر خیام نیشابوری در ۲۸ اردیبهشت سال ۴۲۷ خورشیدی در نیشابور زاده شد، نام کامل او غیاث‌الدین ابوالفتح عمربن ابراهیم خیام نیشابوری است که با نام‌هایی نظیر خیام نیشابوری، خیامی النیسابوری و خیامی نیز خوانده می‌شود. این دانشمند، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس، فیلسوف شاعر رباعی‌سرایی برجسته ایرانی در زمان سلجوقیان می‌زیست. با اینکه وی از نظر علمی جایگاه بالایی دارد و به او لقب «حجة‌الحق» داده‌اند، اما بیشترین شهرتش را در سطح جهان مدیون رباعیاتش است. رباعیات وی به بسیاری از زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است. ادوارد فیتزجرالد با برگردان رباعیات خیام به زبان انگلیسی نقش زیادی در شهرت او در غرب دارد.

در کتاب‌های کهنی که به بیان زندگی خیام و کارهای وی پرداخته‌اند، اختلاف‌های بسیاری به ویژه در تاریخ تولد و مرگ او وجود دارد. نخستین منبعی که به طور مفصل خیام را معرفی کرده است، چهار مقاله نظامی عروضی نوشته شده در حدود ۵۵۰ قمری است. دومین زندگی‌نامه خیام توسط ابوالحسن علی بیهقی در ۵۵۶ قمری در کتاب «تممه صوان‌الحکمه» یا «تاریخ‌الحکما» نوشته شده است. نظامی عروضی و ابوالحسن بیهقی هر دو معاصر خیام بوده و او را از نزدیک دیده‌اند. برخی افراد خیام را ملحد و کافر می‌نامند اما اشعار خیام نه تنها بیان‌کننده کفر نیست بلکه از آیات قرآن برگرفته شده و اگر مضمون برخی از اشعار او به گونه‌ای است که خواننده احساس می‌کند که این شاعر کفر می‌گوید این در حقیقت برداشت نادرست از اشعار این شاعر پارسی‌گو است نه کفر او، از جمله این اشعار: از دی گذشت هیچ از او یاد مکن / فردا که نیامدست فریاد مکن / برنامه و گذشته بنیاد مکن / حالی خوش باش و عمر بر باد مکن.

خداوند متعال در آیه ۲۳ حدید می‌فرماید: «لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ؛ بر آنچه از دستتان می‌رود اندوهگین نباشید و به آنچه به دستتان می‌آید شادمانی نکنید و خدا هیچ متکبر خود ستاینده‌ای را دوست ندارد»؛ بنابراین با استفاده از این آیات در می‌یابیم که خیام شاعری بوده که به رموز قرآن آگاه بوده و واژگانی که در اشعار خود به کار می‌برده است با شناخت کامل و دقیق از قرآن بوده است.

خیام در زادگاه خویش به آموختن علم پرداخت و نزد عالمان و استادان برجسته آن شهر از جمله «امام موفق نیشابوری» علوم زمانه خویش را فرا گرفت و چنان که گفته‌اند بسیار جوان بود که در فلسفه و ریاضیات تبحر یافت. خیام در سال ۴۶۱ هجری نیشابور را به قصد سمرقند ترک کرد و در آنجا تحت حمایت و سرپرستی «ابوطاهر قاضی‌القضات» سمرقند، کتابی درباره معادله‌های درجه سوم با نام رساله فی البراهین علی مسائل الجبر و المقابله به زبان عربی نوشت. از آنجا که با خواجه نظام‌الملک طوسی رابطه‌ای نیکو داشت، این کتاب را پس از نگارش به خواجه تقدیم کرد. فقه را در میان‌سالگی در محضر امام موفق نیشابوری آموخت و حدیث، تفسیر، فلسفه، حکمت و ستاره‌شناسی را فرا گرفت.

با همه این‌ها شهرت عمده خیام به سبب رباعیات اوست. معلوم است که خیام پرگویی را دوست نمی‌داشت، نه به تألیف کتاب‌های مفصل علاقه نشان داده و نه به سرودن اشعار مفصل پرداخته است. احتمال دارد به سبب اشتغال به فلسفه و ریاضی پرداختن به شاعری را برانزده خود نمی‌دانسته و در مآخذ قدیم هم شهرت او به سبب شاعری نیست. خیام در جبر و مقابله پژوهش‌های ارزنده‌ای دارد و در طب و نجوم نیز سرآمد دوران خود بوده و شاهزاده سلجوقی را که به مرض آبله گرفتار آمده بود، درمان کرده است.

پس از درگذشت ملک‌شاه و کشته شدن نظام‌الملک، خیام مورد بی‌مهری قرار گرفت و کمک مالی به رصدخانه (زیج) قطع شد. نبود توجه به امور علمی دانشمندان و رصدخانه، خیام را بر آن داشت اصفهان را به قصد خراسان ترک کند. بعد از سال ۴۷۹ خیام اصفهان را به قصد اقامت در مرو، پایتخت جدید سلجوقیان، ترک کرد. وی باقی عمر خویش را در شهرهای مهم خراسان به ویژه نیشابور و مرو گذراند؛ در آن زمان مرو یکی از مراکز مهم علمی و فرهنگی دنیا به شمار می‌رفت و دانشمندان زیادی در آن حضور داشتند. بیشتر کارهای علمی خیام پس از مراجعت از اصفهان در این شهر جامه عمل به خود گرفت.